

www.csr.ir

مدیریت محلی مطلوب در افق ۱۴۰۴

* علیرضا نادری خورشیدی

** هادی فقیه

*** محمود عسکری آزاد

چکیده

در پی تبیین الگوی مدیریت محلی در سایه تحقق سند چشم‌انداز ایران و متناسب با جایگاهی که برای این مقوله در این سند به تصویر کشیده شده، در مقاله حاضر، از روش‌های مطالعه اسناد و مدارک و نیز مطالعه تطبیقی بهره گرفته شده است. پس از احصای معیارهای منتج از بررسی صورت گرفته، مراحل پاسخ به پرسش اصلی، ناظر بر چیستی مجموعه وظایف هر یک از شهرداری‌های ایران به عنوان متولیان مدیریت محلی، در شکل مطلوب، طی شده است. در این راستا، اطلاعات حاصل از روش مصاحبه با خبرگان، تحلیل شده است و نتایج در قالب فهرستی تحت عنوان "وظایف شهرداری‌ها در ایران در وضعیت مطلوب" ارائه خواهد شد.

واژگان کلیدی

مدیریت محلی، چشم‌انداز، سازماندهی.

Email: Alirezanaderi44@yahoo.com

Email: Alirezanaderi44@yahoo.com

Email: askariazad36@yahoo.com

* استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

** استادیار دانشگاه امام حسین (ع)

*** دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشگاه امام حسین (ع)

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۳/۰۴

تاریخ ارسال: ۹۰/۰۷/۱۱

فصلنامه راهبرد / سال بیست و یکم / شماره ۶۵ / زمستان ۱۳۹۱ / صص ۳۹۱-۳۷۱

مقدمه

در بسیاری از محورهای مورد توجه در سند فراهم می‌آید.

بنابراین در این مقاله به عنوان اولین گام متمرکز بر مقوله مدیریت محلی در تجلی چشم‌انداز، به دنبال تعیین نقش مدیریت محلی و شناسایی مجموعه وظایف شهرداری به عنوان سازمانی در تعامل مستقیم با شهروندان هستیم. در این راستا، مطالعه و پژوهش، طی مراحل زیر صورت می‌پذیرد.

- مطالعه مبانی نظری مدیریت محلی، تحلیل مفاهیم و تعاریف به منظور دستیابی به تعریفی واحد از مفهوم، نقش و معیارهای تعیین کننده استقرار مدیریت محلی
- مطالعه الزامات مدیریت محلی در ایران با توجه به قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران
- مطالعه وظایف شهرداری‌های ۱۲ کلان‌شهر با هدف شناسایی مجموعه وظایف مطرح در حوزه مدیریت محلی
- تبیین مجموعه وظایف شهرداری‌های ایران در وضعیت مطلوب و متناسب چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴

۱. مدیریت محلی

تلاش‌های انجام‌شده در حوزه مدیریت محلی، مبنی رویکردی نوین است که در آن

با توجه به سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴، جامعه ایرانی برخوردار از ویژگی‌هایی از جمله توسعه‌یافتگی متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی و برخوردار از روحیه تعاون خواهد بود. بی‌شک تحقق سند چشم‌انداز، مستلزم تغییر در ساختار اداره کشور مبتنی مشارکت مردم است و جلب مشارکت نیازمند فراهم‌آمدن زمینه‌ها و نیز ابزارهای انگیزشی است. تحت چنین شرایطی می‌توان انتظار داشت جوامع در محیط‌های محلی (استانی، شهری، روستایی، بخشی و ...) بسیج شوند و با مشارکت خود ذیل سیاست‌ها و حمایت‌های دولت، در جهت تحقق سند چشم‌انداز به‌ویژه در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و علمی و فناوری گام بردارند. زیرا بر این باور هستیم که با جلب مشارکت شهروندان در سطح محلی، می‌توان از پتانسیل‌ها و توانمندی‌های تمامی شهروندان در شکلی بهینه بهره برد و ضمن ایجاد درآمدهای محلی، زمینه توسعه

می‌تواند به استفاده مؤثر و کارآمدتر منابع منجر شود (Mattingly, 1994). شارما، مدیریت محلی را به عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌ها تعریف می‌کند که در تعامل با یکدیگر، توسعه اقتصادی، کالبدی و اجتماعی نواحی محلی را شکل می‌دهد و هدایت می‌کند. بر این اساس، اصلی‌ترین وظیفه مدیریت محلی، مداخله در نواحی مختلف محلی، با هدف ارتقای توسعه اقتصادی و بهروزی مردم و نیز تأمین خدمات ضروری است (Sharma, 1989). راکودی نیز در تأیید این تعریف، هدف مدیریت محلی را مدیریت اجزای سیستم محلی در نظر می‌گیرد. با توجه به این هدف، کارکرد روزانه سیستم، ممکن می‌گردد و با تشویق تمامی فعالیت‌های اقتصادی، بستری فراهم می‌آید که در آن، شهروندان قادر به تأمین نیازهای اساسی خود شامل مسکن، کالاها یا خدمات عمومی و نیز فرصت‌های درآمدساز خواهد شد (Rakodi, 2001). بنابراین، از جنبه محتوایی، مدیریت محلی مسئولیتی در نظر گرفته می‌شود که در سطح عملیاتی نیز ورود پیدا می‌کند و نتایج عملیاتی را نیز در بر می‌گیرد.

از جنبه رویه‌ای نیز مدیریت محلی عبارت است از فرایندی از مسئولیت‌ها،

حکومت محلی، تنها یکی از عناصر مدیریت محلی در اداره شهر محسوب می‌شود. بنابراین همانند تلقی گذشته، دیگر مدیریت محلی با حکومت محلی هم‌معنی و مترادف در نظر گرفته نمی‌شود. در این میان، هرچند تعاریف متنوعی برای مدیریت محلی ارائه شده است، اما از یک منظر می‌توان مدیریت محلی را با توجه به دو جنبه محتوایی و رویه‌ای تعریف کرد. در این رابطه باید توجه داشت که مفهوم مدیریت محلی^۱ فارغ از سطح جغرافیایی (شهر یا محله) و سطح تجزیه و تحلیل و با توجه به مبانی و اصول مدیریت شهری، بر نظامات مدیریت در سطح شهر و محله قابل اطلاق می‌باشد.

از جنبه محتوایی، مدیریت محلی به مثابه اجرای سیاست و به معنی اداره امور عمومی^۲ و یا با در نظر گرفتن مرحله اجرا و برخی ویژگی‌های خاص، فراتر از اداره به مفهوم عام آن، تصور می‌شود که با ایجاد بستری برای مداخله بیشتر بخش عمومی و با پذیرش نقش فعال‌تر در توسعه شهری، این امر، امکان‌پذیر می‌گردد.

در تعریف بانک جهانی از مدیریت محلی، مدیریت محلی، یک رویکرد شبه بازرگانی در حکومت و اداره شهر است که

1. Local Management
2. Public Administration

اقدامات و ارتباطات مداوم که برای نیل به اهداف عملیاتی خاص در سطح جوامع محلی، تنظیم می‌شوند. شکل‌گیری این فرایند و تحقق اهداف عملیاتی آن نیازمند یک چارچوب سازمانی تعریف‌شده، شفاف و پاسخگو در قبال همه کنشگران جوامع محلی است.

در این میان، مک‌گیل، دید جامع‌تری نسبت به مدیریت محلی دارد و بر این عقیده است که مدیریت محلی باید به عنوان یک فرایند جامع و کل‌نگر، فراگیر و یکپارچه نگریسته شود. فراگیری به این معنی که تمامی کنشگران و بازیگران محلی را در بر گرفته و جامعیت و کل‌نگری به نحوی که کل فرایندهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی و اجرا و نیز نظارت را در برگیرد و از رویکرد بخشی پرهیز کند و یکپارچگی بدین معنی که توسعه محلی به عنوان هدف مدیریت محلی با توسعه نهادی که اشاره به ظرفیت و توانمندی سازمان مدیریت محلی در توسعه شهری دارد و مرتبط با میزان تمرکززدایی در فرایند مدیریت محلی است؛ یکسان نگریسته شود. در این صورت سازمان مدیریت محلی نیز پایدار بوده و محیط شهری پایداری را به وجود خواهد آورد (Mc Gill, 1998).

بنابراین در رابطه با مفهوم و کارکرد مدیریت محلی چنین می‌توان بیان کرد که مدیریت محلی بیشتر وجه فنی و اجرایی دارد و نسبت به حکومت محلی، جو حاکمیتی آن کمتر است و نهادهای مدیریتی محل (شهر)، بیشتر مجری تصمیمات نهادهای حکومتی هستند که ممکن است در سطح ملی یا محلی مطرح شوند (آخوندی و همکاران، ۱۳۸۷).

۲. ضرورت بهره‌مندی از رویکرد کل‌نگر و جامع در مدیریت محلی

با توجه به تعریف و نقش مدیریت محلی، اتخاذ رویکردی کل‌نگر و جامع ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا، راکودی در تحلیل خود در خصوص عدم موفقیت‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در کشورهای در حال توسعه، چنین بیان می‌کند که در این کشورها به روش سنتی، مسئولیت‌های محلی به صورت بخشی و با منابع محدود، قدرت محدود و فقدان ظرفیت سیاست‌گذاری جمعی، سازماندهی می‌شوند. تصمیم‌گیری نه توسط شورای شهر و نه شهرداران بلکه توسط حکومت‌های مرکزی صورت می‌گیرد و تصمیم‌گیری‌های واکنشی، توسعه‌ای و راهبردی به‌ندرت در سطح شهرداری‌ها گرفته می‌شوند. نتیجه چنین

تولید و توزیع اطلاعات، محل بروز تغییرات مستمرند، سیستمی عملکرد بهتری خواهد داشت که بتواند میان یادگیری و خلاقیت و سوددهی پیوندی مناسب ایجاد کند؛ نتیجه این پیوند، تطبیق زیاد و کسب بهترین تناسب در هر مقطع زمانی و در نتیجه توسعه است (Lenox et al., 2007). بدین ترتیب، تعیین وظایف مدیریت محلی و شهرداری، مبتنی تعیین محورهای ارتباطی با شهروندان و نیز گلوگاه‌های جلب مشارکت تمامی شهروندان در انجام امور محلی به شمار می‌آید.

چرا که با توجه به ویژگی‌های متصور برای مدیریت محلی، تأکید بر جنبه‌های پاسخ‌گویی، مشروعیت و مسئولیت‌پذیری، شکلی دیگر از مدیریت محلی را نمایان می‌سازد و نیز نباید از نظر دور داشت که تمرکززدایی و تقویت حکومت‌های محلی و مشارکت بخش خصوصی و شهروندان (جامعه مدنی) در اداره شهر، به کارآمدی و پاسخ‌گویی مدیریت محلی در اداره شهر، کاهش فقر و ارتقاء کیفیت زندگی محلی منجر خواهد شد که همگی به معنای تحقق چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ است.

رویکردی، به فراموشی سپردن نیازمندی‌های رشد سریع شهری در شرایط فقدان قابلیت تصمیم‌گیری استراتژیک و محدودیت قدرت نهادهای محلی است (Rakodi, 2001). از نظر راکودی، بهره‌گیری از ساختار و عملکرد مدیریت مطلوب محلی می‌تواند کیفیت زندگی محلی را در کشورهای در حال توسعه بهبود بخشد.

بنابراین، بر پایه جایگاه مدیریت محلی و با توجه به رویکرد کل‌نگر، چنین می‌توان بیان داشت که توسعه‌یافتگی و کسب جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل مؤثر در روابط بین‌الملل، وابسته به استقرار مدیریت محلی به عنوان حوزه‌های رابط میان دولت و شهروندان است. مدیریت محلی با توجه به رویکرد جامع و کل‌نگر به فرایند ساخت شهر بدین معنی است که دیگر مدل‌های قدیمی مدیریت محلی که به صورت مجزا و منفک در پی پاسخ به نیازهای رو به گسترش مراکز محلی (Van Dijk, 2006) هستند؛ چه از نظر مفهومی و چه از نظر کارکردی، توجیه‌پذیر نخواهند بود.

علاوه بر آن، در محیط‌های متنوع و متغیر امروز، که به واسطه نوع تعاملات و نیز

- در این رابطه، مک گیل بر فرایند مدیریت محلی تأکید می‌کند، یعنی فرایندی که:
- دربرگیرنده تمام بازیگران فرایند توسعه شهری باشد (نه صرفاً توزیع کنندگان منابع)؛
 - هدایت و مهار نیروی محرک توسعه شهری را به عهده بگیرد (نه اینکه تلاش کند تا به صورت مصنوعی و از طریق طرح جامع بر آن حکومت کند).
 - به صورت عمودی و سلسله‌مراتبی، منسجم و یکپارچه باشد تا بتواند بر مسائل ناشی از نزدیک‌بینی و تمرکز ناآگاهانه بر زیربخش‌ها غلبه کند.
 - به صورت افقی منسجم و یکپارچه باشد تا بر مسائل ناشی از انفکاک برنامه‌ریزی از اجرا و بودجه‌ریزی غلبه کند.
 - توانایی واکنش در مقابل فرصت‌های پدیدآمده را داشته باشد (آزادسازی ظرفیت ذاتی اجتماعات محلی یا بخش غیررسمی از طریق مشارکت سازمان‌های غیردولتی).
- مک گیل با توجه به فرایند مورد اشاره، پارامترهای اولیه مدیریت محلی را حول سه محور اصلی زیر دسته‌بندی می‌کند:
- اولین محور، به دامنه مدیریت محلی می‌پردازد. آیا مدیریت محلی فعالیتی صرفاً در حوزه حکومتی است (یعنی به توزیع منابع می‌پردازد) یا مواردی را که مستلزم مداخله همه بازیگران در فرایند محلی است نیز در بر می‌گیرد.
 - دومین محور، بعد سازمانی و نهادی مدیریت محلی است. تفکر بخشی در مقابل ماهیت بین بخشی شهر، سؤالی که در این حوزه مطرح می‌شود، این است که آیا راه و روشی وجود دارد تا با ایجاد یک مجموعه پیچیده سازمانی بتواند با پیچیدگی مسائل شهر برخورد نموده و با آن انطباق یابد.
 - سومین محور به رابطه سطوح راهبردی و عملیاتی اشاره دارد و آیا تناقضی بین حیات عملیاتی و محرک‌های راهبردی وجود دارد. مدیریت محلی باید خود را به عنوان مفهومی که به شکل عمودی ساختار یکپارچه‌ای دارد، تصور کند (McGill, 1998)
 - حال که نقش استقرار مدیریت محلی بر پایه رویکر جامع و کل‌نگر در تصویر چشم‌انداز ۱۴۰۴ مشخص گردید، پیش از پرداختن به معیارهای استقرار این مفهومی، به اجمال، به مقایسه مدل‌های مدیریت

محلی که تحت نظام‌های سیاسی مختلف مطرح می‌شوند، می‌پردازیم. مستقیم، با رأی یکپارچه شهروندان، با رأی مجزای نواحی مختلف شهر و یا به صورت مرکب)، رأی مخفی غیر حزبی، تعادل رابطه شورا و شهردار، مسئولیت‌پذیری مدیر شهر و بی‌طرفی سیاسی را در برمی‌گیرد (Hall, 2005).

در این میان ساختار مدیریت محلی با توجه به شاخص‌های حکمروایی شهری و نیز خدمات عمومی نوین، یکی از ابعاد بسیار مهم

محلی که تحت نظام‌های سیاسی مختلف مطرح می‌شوند، می‌پردازیم.

۳. انواع مدل‌های مدیریت محلی

بحث‌های اصلی در رابطه با «بهترین» راه‌های اداره شهرها طیف وسیعی از موضوعات مختلفی چون: مدل حکومت، قدرت شهردار، نحوه انتخاب شهردار (توسط شورا از میان اعضای آن یا خارج از شورا)، انتخاب شورا و شهردار (در روش‌های مختلف

نگاره شماره (۱) - انواع مدل‌های مدیریت محلی، مزایا و معایب

نام مدل	مزایا	معایب
شهردار - شورا Mayor & Council	شهردار ضعیف (Weak Mayor) - شورا نمایندگی منتخب، به دنبال برآورده کردن نیازهای شهروندان است. - برای شهرهای کوچک مناسب است.	- فقدان رهبری قوی - قدرت هر مسئولیت پراکنده است - خلاء قدرت سیاسی قوی باعث سیاست‌زدگی و ماشینی شدن می‌گردد.
شهردار قوی (Strong Mayor)	شهردار قوی (Strong Mayor) - رهبری قوی با مسئولیت‌پذیری متمرکز - سیاست‌سازی و اجرا را تسهیل می‌بخشد	- حجم وظایف برای یک فرد زیاد است. - شهردار نمی‌تواند صرفاً با اتکا به یک نیروی متخصص عمل کند.
شورا - مدیر Council Manager	- مدیر متخصص مسئولیت را به عهده دارد. - شورا با توجه به سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها شهر را کنترل می‌کند - شهر به صورت یک بنگاه دیده می‌شود	- فقدان رهبری قوی - عدم تمایل مدیر به سیاست‌سازی - مدیر در انزوای قرار می‌گیرد
کمیسیونی Commission	- برای شرایط بحرانی و اضطراری مناسب است. - ساختار سازمانی ساده است - اجرای سریع و به موقع سیاست‌ها	- فقدان نظارت - پیچیدگی انتخاب
گردهمایی شهری (محلی) (گردهمایی شهری (محلی) باز و یا گردهمایی شهری (محلی) نماینده) Town Meeting / Representative Town Meeting	- پیشرفته‌ترین نوع دموکراسی. - همه شهروندان حق رأی داشته و می‌توانند در اداره امور مشارکت کنند. - در جوامع محدود بسیار موفق است.	- اجرای برنامه بلندمدت مشکل است. - استفاده از افراد متخصص مشکل است. - اطلاع‌رسانی در این مدل سخت است. - برگزاری جلسات به دلیل حضور افراد مشکل است.

منبع: (آخوندی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴)

- آن محسوب می‌شود (Vansant, 2001). در میان دسته‌بندی‌های مختلفی که در رابطه با مدل مدیریت شهری ارائه شده است، می‌توان با توجه به تعیین نقش‌ها و تقسیم مسئولیت‌ها، به مدل‌های اصلی زیر اشاره کرد (Nallathiga, 2008):
۱. ساختار شورا - شهردار قوی^۳
 ۲. ساختار شورا - شهردار ضعیف^۴
 ۳. سیستم کمیسیونی^۵
 ۴. سیستم مدیر-شورا^۶
 ۵. گردهمایی جمعی
- نگاره زیر، ویژگی‌های هر یک از مدل‌های مذکور را نشان می‌دهد. باید توجه داشت که فرایندهای تصمیم‌گیری در دولت‌های محلی با تغییرات قابل توجهی مواجه گشته و اکنون شرکایی غیر از شرکای دولتی را نیز در بر گرفته است؛ شرکایی مانند انجمن‌های همسایه^۷، شرکت‌های بخش خصوصی، سمن‌ها و شهروندان. برنامه‌های مدرن‌سازی تغییرات بنیادینی را با هدف ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت‌های دموکراتیک معرفی می‌کنند (Lowndes et al., 2001). بعضی از
- اندیشمندان، این تغییر را انتقال از حکومت به حکمروایی (Andersen and Van Kempen, 2003) یا مدیریت شهری (محلی) تعاونی^۸ (IDEA, 2001) در نظر می‌گیرند. بینگهام و همکاران بر این عقیده‌اند که این حکمروایی جدید، صرفاً دربرگیرنده ابزار نبوده و فرایندها و اقداماتی را که منجر به مشارکت مردم در امور حکمروایی می‌شود نیز در برمی‌گیرد (Fung, 2006). بنابراین یکی از وظایف مدیران، تسهیل مشارکت و درگیری شهروندان در امور حکمروایی است (Yetano et al., 2009). بنابراین با توجه به تغییر فرایندهای تصمیم‌گیری در دولت‌های محلی، اکنون علاوه بر قدرتمندان دولتی، جوامع همسایه، بخش خصوصی، سمن‌ها و شهروندان نیز در این فرایند نقشی قابل توجه ایفا می‌کنند. در این میان برنامه‌های مدرن‌سازی معرف تغییراتی بنیادین در اقدامات دموکراتیک محلی با هدف ایجاد فرصت‌هایی جدید برای مشارکت دموکراتیک تمام بازیگران این عرصه، یعنی، بخش خصوصی، سازمان‌های غیر دولتی در تمام سطوح، افراد، واحدهای

3. The Strong Mayor Council Structure
 4. The Weak Mayor-Council Structure
 5. The Commission System
 6. The Council - Manager System
 7. Neighborhood Associations

8. Collaborative Civic Management

پ) تشکل‌های غیردولتی^{۱۱}

- تشکل‌هایی که در سطح بین‌المللی با هم مرتبط هستند؛

- سازمان‌های رسمی جامعه مدنی مانند اتحادیه تجاری، مذهبی و احزاب سیاسی^{۱۲}؛
- سازمان‌های مبتنی بر اجتماعات محلی^{۱۳}.

ت) خانوارها و افراد

- این دسته به صورت مشخص قابل تفکیک نیستند، خانوارها و افراد می‌توانند برحسب گروه‌های درآمدی، دسته‌های شغلی، نژاد، موقعیت محل سکونی و غیره باز هم جزئی‌تر شوند. قابل توجه است که بدون همکاری هماهنگ چهار کنشگر اصلی عرصه‌های محلی، اداره مردمی شهر غیرممکن می‌گردد و امکان سلطه یکی از چهار کنشگر بر بقیه فراهم می‌آید. به همین دلیل هایدن در سال ۱۹۹۲ برای اداره بهینه مردمی شهر، سه شرط موضوعی اصلی را که هر کدام از سه جزء تشکیل شده‌اند، پیشنهاد کرده است:

۱. اثرگذاری شهروندان و نظارت آنان
میزان مشارکت سیاسی بالا؛ ابزار تجمیع ترجیحات مردمی و تمایل آنها (معمولاً از طریق نهادهای واسط جامعه مدنی)؛ و

دولتی پشتیبان و سایر گروه‌ها هستند (Lowndes et al., 2001).

۴. عناصر (کنشگران) اصلی در مدیریت محلی

شهرها محصول تعامل گروه‌ها و عوامل بسیاری هستند که برخی به گونه رسمی و برخی دیگر به گونه‌ای غیررسمی بر آن اثرگذارند. اگر بخواهیم این عناصر را برحسب منشأ قدرت آنها طبقه‌بندی کنیم، چهار دسته زیر را می‌توان فهرست کرد:

الف) عناصر حکومتی^۹

- نهادهای حکومت مرکزی
- شهرداری
- شرکت‌های توسعه و عمران دولتی و عمومی
- عوامل اجرایی حکومت مرکزی مستقر در محل
- مؤسسات عمومی و غیرانتفاعی وابسته به دولت یا شهرداری‌ها

ب) عناصر بخش خصوصی^{۱۰}

- بخش رسمی: ملی / بین‌المللی
- بخش رسمی: محلی
- بخش غیررسمی؛

11. NGOs
12. CSOs
13. CBOs

9. Governmental
10. Businesses

روش‌های پاسخگوسازی دولت در مقابل مردم.

۲. رهبری مسئول و پاسخگو

میزان احترام عملی و واقعی به عرصه‌های عمومی - مدنی؛ میزان شفاف و آشکار بودن فرایندهای تدوین خط مشی‌ها و تصمیم‌سازی؛ و میزان پایبندی به قانون.

۳. ادغام و همبستگی اجتماعی

میزان برابری سیاسی آحاد مردم؛ میزان مدارای بین گروه‌ها؛ و میزان پذیرش همگانی در عضویت انجمن‌ها و سازمان‌ها بدون محروم‌سازی افراد و گروه‌ها (پیران، ۱۳۷۹).

علاوه بر آن از آنجا که با توجه به حاکمیت شهری، وظیفه به اجرا در آوردن تصمیمات و سیاست‌های عمومی در جهت

منافع عامه را دارد (پاداش و همکاران، ۱۳۸۶) به عنوان فرایند مشارکتی توسعه، تعریف می‌شود و به موجب آن همه ذی‌نفعان شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی تمهیداتی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌آورند که نتیجه آن رفع ناپایداری توسعه

شهری، رفع ناپایداری‌ها از بدنه نهادهای مدیریتی، برنامه‌ریزی شهری، کارآمدسازی و مسئولیت‌پذیری بیشتر در اداره امور شهری و تفویض قدرت، وظایف و صلاحیت‌ها به حکومت‌ها و سایر ذی‌نفعان محلی خواهد بود (لاله‌پور، ۱۳۸۶) که در نهایت عاملی برای تجلی چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ می‌باشد. بنابراین حکومت شهری را می‌توان فرایندی دانست که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک طرف و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می‌گیرد و زمینه توسعه کشور را فراهم می‌آورد.

شکل شماره (۱) - مثلث حکومت محلی



۵. قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، ناظر بر مفهوم مدیریت محلی

۱-۵. قانون اساسی

بر اساس اصل ۱۰۰ قانون اساسی، برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله‌مراتب آنها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند.

بر اساس اصل ۱۰۳ قانون اساسی، استانداران، فرمانداران، بخشداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند، در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آنها هستند.

۲-۵. سیاست‌های کلی نظام اداری، ابلاغی مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۸۹/۲/۱

۱. نهادینه‌سازی فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و کرامت انسانی و ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی؛
۲. عدالت‌محوری در جذب، تداوم خدمت و ارتقای منابع انسانی؛
۳. بهبود معیارها و روزآمدی روش‌های گزینش منابع انسانی به منظور جذب نیروی انسانی توانمند، متعهد و شایسته و پرهیز از تنگ‌نظری‌ها و نگرش‌های سلیقه‌ای و غیرحرفه‌ای؛
۴. دانش‌گرایی و شایسته‌سالاری مبتنی بر اخلاق اسلامی در نصب و ارتقای مدیران؛
۵. ایجاد زمینه رشد معنوی منابع انسانی و بهسازی و ارتقای سطح دانش، تخصص و مهارت‌های آنان؛
۶. رعایت عدالت در نظام پرداخت و جبران خدمات با تأکید بر عملکرد، توانمندی، جایگاه و ویژگی‌های شغل و شاغل و تأمین حداقل معیشت با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی؛

۷. زمینه‌سازی جذب و نگهداری نیروهای متخصص در استان‌های کمتر توسعه‌یافته و مناطق محروم؛
۸. حفظ کرامت و عزت و تأمین معیشت بازنشستگان و مستمری‌بگیران و بهره‌گیری از نظرات و تجارب مفید آنها؛
۹. توجه به استحکام خانواده و ایجاد تعادل بین کار و زندگی افراد در نظام اداری؛
۱۰. چابک‌سازی، متناسب‌سازی و منطقی‌ساختن تشکیلات نظام اداری در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز؛
۱۱. انعطاف‌پذیری و عدم تمرکز اداری و سازمانی با رویکرد افزایش اثربخشی، سرعت و کیفیت خدمات کشوری؛
۱۲. توجه به اثربخشی و کارایی در فرآیندها و روش‌های اداری به منظور تسریع و تسهیل در ارائه خدمات کشوری؛
۱۳. عدالت‌محوری، شفافیت و روزآمدی در تنظیم و تنقیح قوانین و مقررات اداری؛
۱۴. کل‌نگری، همسوسازی، هماهنگی و تعامل اثربخش دستگاه‌های اداری به منظور تحقق اهداف فرابخشی و چشم‌انداز؛
۱۵. توسعه نظام اداری الکترونیک و فراهم آوردن الزامات آن به منظور ارائه مطلوب خدمات عمومی؛
۱۶. دانش‌بنیان کردن نظام اداری از طریق به‌کارگیری اصول مدیریت دانش و یکپارچه‌سازی اطلاعات، با ابتناء بر ارزش‌های اسلامی؛
۱۷. خدمات‌رسانی برتر، نوین و کیفی به منظور ارتقای سطح رضایتمندی و اعتماد مردم؛
۱۸. شفاف‌سازی و آگاهی بخشی نسبت به حقوق و تکالیف متقابل مردم و نظام اداری با تأکید بر دسترسی آسان و ضابطه‌مند مردم به اطلاعات صحیح؛
۱۹. زمینه‌سازی برای جذب و استفاده از ظرفیت‌های مردمی در نظام اداری؛
۲۰. قانون‌گرایی، اشاعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اداری و اجتماعی، پاسخ‌گویی و تکریم ارباب رجوع و شهروندان و اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌ها؛
۲۱. نهادینه‌سازی وجدان کاری، انضباط اجتماعی، فرهنگ خودکنترلی، امانتداری، صرفه‌جویی، ساده‌زیستی و حفظ بیت‌المال؛
۲۲. تنظیم روابط و مناسبات اداری بر اساس امنیت روانی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی، فرهنگی و نیز رفاه نسبی آحاد جامعه؛

۱۴۰۴ در هم‌ترازی چشم‌انداز باید شکل گیرد.

نگاره شماره (۲) - معیارهای تعیین وظایف

مدیریت محلی

منبع	معیارها
مبانی نظری مدیریت محلی	فرایند تولید محصول یا ارائه خدمت متمرکز در یک شهر باشد.*
	کمیت‌پذیر و از نظر درآمد و هزینه قابل محاسبه باشد(شبه بازرگانی)
مبانی نظری مدیریت محلی و قانون اساسی	هدف از انجام فعالیت صرفاً سود اقتصادی نباشد(از وظایف ذاتی بخش خصوصی نباشد).*
	ماهیت وظیفه موجب توسعه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، بهداشتی، رفاهی و ... شهر و شهروندان می‌گردد
قانون اساسی	ماهیت فعالیت‌ها موجب افزایش توانمندی مردم در تأمین نیازهایشان می‌گردد.
قانون اساسی	به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خدشه وارد نکند.*
سیاست‌های کلی نظام	موجب چابک‌سازی و متناسب‌سازی ساختار اداری کشور شود.
* معیارهای مورد اشاره به منزله متغیرهای اصلی و تعیین‌کننده وضعیت به صورت منحصر است.	

۷. وظایف شهرداری‌ها(مطالعه

تطبیقی)

در این بند، نتیجه مطالعه تطبیقی با هدف کسب شناخت نسبت به وظایف سایر شهرداری‌ها ارائه می‌شود. نتیجه حاصل از این مطالعه، دستیابی به فهرستی از مجموع وظایف قابل تخصیص به شهرداری‌هاست.

۲۳. حفظ حقوق مردم و جبران خسارت‌های وارده بر اشخاص حقیقی و حقوقی در اثر قصور یا تقصیر در تصمیمات و اقدامات خلاف قانون و مقررات در نظام اداری؛

۲۴. ارتقای سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی در آن از طریق اصلاح فرآیندهای قانونی و اداری، بهره‌گیری از امکانات فرهنگی و به‌کارگیری نظام مؤثر پیشگیری و برخورد با تخلفات؛

۲۵. کارآمدسازی و هماهنگی ساختارها و شیوه‌های نظارت و کنترل در نظام اداری و یکپارچه‌سازی اطلاعات؛

۲۶. حمایت از روحیه نوآوری و ابتکار و اشاعه فرهنگ و بهبود مستمر به منظور پویایی نظام اداری.

۶. مدیریت محلی در ایران(فرصت‌ها و محدودیت‌ها)

با توجه به پژوهش صورت پذیرفته بر پایه مطالعه اسناد و مدارک شامل مبانی نظری مدیریت محلی، قانون اساسی و نیز سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، در زیر، معیارهای تعریف و استقرار مدیریت محلی ارائه می‌شود. این معیارها مبتنی فضایی است که مدیریت محلی در افق

نگاره شماره (۳) - وظایف شهرداری‌های ۱۲ کلان شهر

شهر	تعداد فعالیت‌های اصلی	شهر	تعداد فعالیت‌های اصلی
استانبول	۳۴	تهران	۱۵
پاریس	۲۸	کوالالامپور	۲۰
استکهلم	۲۹	توکیو	۱۷ دسته
لوس آنجلس	۳۹	آمستردام	۳۵
نیویورک	۲۷	واشنگتن	۱۷
سافرانسیسکو	۳۴	وین	۲۹

در این مرحله، پس از احصای مجموعه وظایف شهرداری‌های مورد مطالعه، وظایف با توجه به وجوه افتراق و اشتراک، دسته بندی شده اند که در مجموع می توان ۵۸ وظیفه اصلی را برای مدیریت محلی و برای شهرداری به عنوان مسئول پیاده سازی مدیریت محلی برشمرد.

در این راستا با توجه به گستره تفاوت‌های مربوط به مدل‌های مدیریت محلی و ضرورت پوشش تمامی آنها از یک طرف و نیز تمرکز بر مدل‌های مشابه با مبانی مدیریت محلی در ایران و تشابهات موجود از طرف دیگر، ۱۱ شهرداری کلان‌شهرهای جهان، انتخاب و همراه با شهرداری تهران، مورد مطالعه قرار گرفته و بر محورهای زیر تمرکز شده است:

جایگاه شهرداری در نظام حکومتی؛
مأموریت‌های اساسی شهرداری کلان شهرها؛
فرآیندهای اصلی مورد عمل؛ تعاملات شهرداری با نهادهای مدنی و سازمان‌های مردم نهاد و نقش مردم در اداره امور محلی؛
برون‌سپاری فعالیت‌ها و واگذاری‌ها؛ و حیطه نظارت و سطوح سازمانی.

با توجه به این دسته‌بندی در خصوص مجموعه وظایف حاصل انجام مطالعه تطبیقی، در مجموع برای هر یک از شهرداری‌های تحت بررسی، تعداد وظایف زیر شناسایی شده که نگاره شماره (۳) مبین مجموعه وظایف پس از بررسی و دسته بندی است.

۳۴	فاضلاب
۳۵	کاریابی و اشتغال
۳۶	امور همایش‌ها و نمایشگاه‌ها (تجاری، اقتصادی و صنعتی)
۳۷	برنامه‌ریزی شهری
۳۸	بهداشت مواد غذایی
۳۹	توسعه شهری و شهرسازی
۴۰	برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی
۴۱	توسعه زیرساخت‌های گردشگری شهری
۴۲	امور بیمارستان‌ها و مراکز درمانی
۴۳	فرودگاه‌ها
۴۴	امور انتخابات
۴۵	جمع‌آوری زباله
۴۶	انجام فعالیت‌های عمرانی شهری
۴۷	امور بازنشستگان
۴۸	صدور گواهینامه رانندگی
۴۹	نظارت بر کشتارگاه
۵۰	توسعه و نظارت بر موقوفات
۵۱	بیمه همگانی
۵۲	حفاظت از حریم شهر
۵۳	ایجاد و نگهداری پارک‌های جنگلی اطراف شهرها
۵۴	امور پارکینگ‌ها
۵۵	امور گورستان‌ها
۵۶	انبارهای شهری
۵۷	حفاظت از آثار تاریخی
۵۸	ارائه سایر خدمات اجتماعی

نگاره شماره (۴) - فهرست وظایف و
مأموریت‌های شهرداری‌ها (فهرست بلند)

ردیف	وظایف شهرداری‌ها بر اساس مطالعات تطبیقی
۱	آتش‌نشانی و ایمنی شهری
۲	امور کنسولی (گذرنامه/اتباع خارجی و غیره)
۳	امور کتابخانه‌ها
۴	بهداشت عمومی
۵	پارک‌ها و فضای سبز
۶	پلیس راهنمایی و رانندگی
۷	پلیس انتظامی و نظام وظیفه
۸	ورزش و تفریحات
۹	آب (تولید و تصفیه)
۱۰	آب (توزیع)
۱۱	امور آموزش رسمی (مدارس)
۱۲	امور آموزش رسمی دانشگاهی
۱۳	امور آموزش شهروندی
۱۴	امور بی‌سرپناه‌ها
۱۵	امور جوانان
۱۶	امور کودکان
۱۷	امور سالمندان
۱۸	امور سالمندان
۱۹	بانک شهرداری
۲۰	تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات
۲۱	باغ وحش
۲۲	ثبت تولد و ازدواج و مرگ
۲۳	حمل و نقل و ترافیک
۲۴	فرهنگ و هنر (تئاتر، سینما، مناسبت‌ها و غیره)
۲۵	محیط زیست
۲۶	مدیریت بحران
۲۷	نظارت بر ساخت و ساز ساختمان‌های مسکونی، تجاری، اداری و ...
۲۸	امور خانه‌سازی و مسکن
۲۹	امور روابط شهرداری با شرکت‌های تجاری
۳۰	امور ساختمان‌های عمومی
۳۱	برق شهری (توزیع)
۳۲	تعمیر و نگهداری زیرساخت‌های شهری
۳۳	امور معلولان

نگاره شماره ۵- فرایند تعیین مأموریت‌ها و وظایف مطلوب برای شهرداری تهران
(مقایسه نتیجه مطالعه تطبیقی و معیارهای برگرفته از میانی نظری، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام)

ردیف	مأموریت‌ها و فعالیت‌ها	میانی نظری مدیریت شهری				قانون اساسی		قانون اساسی		سیاست‌های کلی نظام	
		تمام فرایند تولید محصول یا ارائه خدمت مستمر در یک شهر باشد	کمیت پذیر و از نظر درآمد و هزینه قابل تحسین باشد	بخش خصوصی باشد	هدف از انجام وظیفه صرفاً سود اقتصادی باشد و وظایف ذاتی	راهی و ... شهر و شهروندان می‌گردد	ماهیت وظیفه موجب توسعه اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، رفاهی و ... شهروندان می‌گردد	به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خدشه وارد نکند	ماهیت وظیفه موجب افزایش توانمندی مردم در تامین نیازهایشان می‌گردد	موجب جلبک سازی و متناسب سازی ساختار اداری کشور شود	سیاست‌های کلی نظام
۱	آتش‌نشانی و ایمنی شهری	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲	امور کنسولی (گذرانامه اتباع خارجی و غیره)	+	+	+	+	+	+	+	+	-	
۳	امور کتابخانه‌ها	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۴	بهداشت عمومی	+	+	+	+	+	+	+	+	با دخالت حکومت مرکزی در مورد بیماری‌های مسری	
۵	پارک‌ها و فضای سبز	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۶	پلیس راهنمایی و رانندگی	+	+	+	+	+	+	+	+	مشروط به تبعیت از مقررات واحد	
۷	پلیس انتظامی و نظام وظیفه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۸	ورزش و تفریحات	+	+	+	+	+	+	+	+	به استثنای ورزش‌های قهرمانی	
۹	آب (تولید و تصفیه)	+	+	+	+	+	+	+	+	مشروط بر تولید و تصفیه آب در یک شهر و در غیر	
۱۰	آب (توزیع)	+	+	+	+	+	+	+	+	اینصورت صرفاً توزیع آب	
۱۱	امور آموزش رسمی (مدارس)	+	+	+	+	+	+	+	+	مشروط به تبعیت از سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی واحد	
۱۲	امور آموزش رسمی دانشگاهی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۱۳	امور آموزش شهروندی	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۴	امور بی‌سربندها	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۵	امور جوانان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۱۶	امور کودکان	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۱۷	امور معلولان	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۸	امور سالمندان	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۹	بانک شهرداری	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۲۰	تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۲۱	باغ وحش	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۲۲	ثبت تولد و ازدواج و مرگ	-	-	-	-	-	-	-	-	-	
۲۳	حمل و نقل و ترافیک	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۴	فرهنگ و هنر (تئاتر، سینما، مناسبت‌ها و غیره)	+	+	+	+	+	+	+	+	با رعایت سیاست‌های فرهنگی کشور	
۲۵	محیط زیست	-	-	-	-	-	-	-	-	-	

ادامه نگاره شماره ۵

۳۶	مدیریت بحران	+	+	+	+	-	+	+	+	مشروط به تبعیت از سیاست گذاری و برنامه ریزی واحد باشد
۳۷	نظارت بر ساخت و ساز ساختمان های مسکونی، تجاری، اداری و ...	+	+	+	+	+	+	+	+	
۳۸	امور خانه سازی و مسکن	+	+	+	+	-	+	+	+	
۳۹	امور روابط شهرداری با شرکت های تجاری	-	-	+	+	+	-	+	-	
۳۰	امور ساختمان های عمومی	-	-	+	+	+	+	+	+	
۳۱	برق شهری (توزیع)	+	+	+	+	+	+	+	+	
۳۲	تعمیر و نگهداری زیر ساخت های شهری	+	+	+	+	+	+	+	+	
۳۳	انجام فعالیت های عمرانی شهری	+	+	+	+	+	+	+	+	
۳۴	فاضلاب	+	+	+	+	+	+	+	+	
۳۵	امور پارکینگ ها	-	-	+	+	+	+	-	-	
۳۶	کارایی و اشتغال	+	+	+	+	+	+	+	+	مشروط به وجود بانک اطلاعاتی یکپارچه در سطح کشور
۳۷	امور همایش ها و نمایشگاه ها (تجاری، اقتصادی و صنعتی)	+	+	+	-	-	+	+	+	در کنار بخش خصوصی
۳۹	برنامه ریزی شهری	+	+	+	-	+	+	+	+	با رعایت سیاست های حاکم بر شهرها
۴۰	بهداشت مواد غذایی	+	+	+	-	+	+	+	+	با رعایت استانداردهای ابلاغی
۴۱	توسعه شهری و شهرسازی	+	+	+	-	+	+	+	+	
۴۲	برنامه ریزی توسعه اقتصادی	+	+	+	+	+	+	+	+	مشروط به تبعیت از سیاست های واحد
۴۳	توسعه زیر ساخت های گردشگری شهری	+	+	+	-	+	+	+	+	
۴۴	امور بیمارستان و مراکز درمانی	+	+	+	-	+	+	+	+	با رعایت استانداردهای ابلاغی
۴۵	فرودگاه ها	-	-	+	+	+	+	-	-	
۴۶	امور انتخابات	-	-	+	+	+	+	+	+	
۴۷	امور پارکینگ ها	+	+	+	+	+	+	+	+	
۴۸	امور گورستان ها	+	+	+	+	+	+	+	+	
۴۹	انبار های شهری	+	+	+	+	+	+	+	+	
۵۰	حفاظت از آثار تاریخی	-	-	+	+	+	+	+	+	
۵۱	جمع آوری زباله	+	+	+	-	+	+	+	+	
۵۲	ارائه سایر خدمات اجتماعی	+	+	+	+	+	+	+	+	
۵۳	صدور گواهینامه رانندگی	-	-	+	+	+	+	+	+	
۵۴	نظارت بر کشتار گاه	+	+	+	+	+	+	+	+	
۵۵	توسعه و نظارت بر موقوفات	+	+	+	+	+	+	+	+	مشروط به نظارت دقیق سازمان مرکزی به منظور حفظ حقوق واقفین
۵۶	بیمه همگانی	-	-	+	+	+	+	+	+	
۵۷	حفاظت از حریم شهر	+	+	+	+	+	+	+	+	
۵۸	ایجاد و نگهداری پارک های جنگلی اطراف شهرها	+	+	+	+	+	+	+	+	

نگاره شماره (۶) - فهرست نهایی وظایف و مأموریت‌های مطلوب برای شهرداری‌ها در ایران

ردیف	وظایف	توضیحات
۱	آتش‌نشانی و ایمنی شهری	
۲	امور کتابخانه‌ها	
۳	بهداشت عمومی	با دخالت دولت در مورد بیماری‌های مسری
۴	پارک‌ها و فضای سبز	
۵	پلیس راهنمایی و رانندگی	مشروط به تبعیت از مقررات واحد
۶	ورزش و تفریحات	به استثنای ورزش‌های قهرمانی
۷	آب	مشروط بر تولید و تصفیه آب در یک شهر و در غیر این صورت صرفاً توزیع آب مد نظر است.
۸	امور آموزش رسمی (مدارس)	مشروط به تبعیت از سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی واحد
۹	امور آموزش شهروندی	
۱۰	امور بی‌سرپناه‌ها	
۱۱	امور معلولان	
۱۲	امور سالمندان	
۱۳	حمل و نقل و ترافیک	
۱۴	فرهنگ و هنر (تئاتر، سینما، مناسبت‌ها و غیره)	با رعایت سیاست‌های فرهنگی کشور
۱۵	مدیریت بحران	مشروط به تبعیت از سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی واحد باشد
۱۶	نظارت بر ساخت‌وساز ساختمان‌های مسکونی، تجاری، اداری و ...	
۱۷	برق شهری (توزیع)	
۱۸	تعمیر و نگهداری زیرساخت‌های شهری	
۱۹	انجام فعالیت‌های عمرانی شهری	
۲۱	فاضلاب	
۲۲	کارایی و اشتغال	مشروط به وجود بانک اطلاعاتی یکپارچه در سطح کشور
۲۳	امور همایش‌ها و نمایشگاه‌ها (تجاری، اقتصادی و صنعتی)	در کنار بخش خصوصی
۲۴	برنامه‌ریزی شهری	با رعایت سیاست‌های حاکم بر شهرها
۲۵	بهداشت مواد غذایی	با رعایت استانداردهای ایلای
۲۶	توسعه شهری و شهرسازی	
۲۷	برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی	مشروط به تبعیت از سیاست‌های واحد
۲۸	توسعه زیر ساخت‌های گردشگری شهری	
۲۹	امور پارکینگ‌ها	
۳۰	امور گورستان‌ها	
۳۱	انبارهای شهری	
۳۲	امور بیمارستان و مراکز درمانی ویژه	با رعایت استانداردهای ایلای
۳۳	جمع‌آوری زباله	
۳۴	ارائه سایر خدمات اجتماعی	
۳۵	نظارت بر کشتارگاه	
۳۶	حفاظت از حریم شهر	
۳۷	ایجاد و نگهداری پارک‌های جنگلی اطراف شهرها	
۳۸	توسعه و نظارت بر موقوفات	مشروط به نظارت دقیق سازمان مرکزی به منظور حفظ حقوق واقفین

فرجام

شهرداری‌ها در ساختار مدیریت محلی هستیم و شهرداری‌ها در این رابطه موظف به انجام وظایف احصاء شده هستند. در این راستا پیشنهاد می‌شود با توجه به نقش مدیریت محلی در چشم‌انداز و جایگاهی که شهرداری در این مفهوم دارد، در یک مرحله، مدل سازماندهی انجام وظایف تخصیص یافته تبیین گردد و در مرحله‌ای دیگر نظر به جایگاه مشارکت مردم در چشم‌انداز و نیز مزایای ناشی از مشارکت مردم که در تحقق سایر وجوه چشم‌انداز مؤثر است، الگوی مدیریت مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، به‌ویژه اداره امور محله تبیین گردد.

منابع فارسی

۱. آخوندی و دیگران (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی مدل اداره شهر در ایران، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، تهران.
۲. پیران، پرویز (۱۳۷۹). شهروندی و فرم شهری. فصلنامه معماری و فرهنگ، سال دوم، شماره ۶۵، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. پاداش حمید، جهان‌شاهی، بابک و علی صادقی (بهار ۱۳۸۶)، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی شهری. فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹-۲۰، تهران.
۴. صرافی، مظفر (۱۳۷۵)، گزارش بررسی تطبیقی نظام‌های مدیریت کلان شهرهای جهان. طرح

در مقام جمع‌بندی و به منظور پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، هر یک از مجموعه وظایف مندرج در نگاره شماره (۴)، وظایف و مأموریت‌های شهرداری‌ها، طی مصاحبه با ده نفر از خبرگان مدیریت محلی، بررسی گشته و در این بررسی، هر یک از وظایف با توجه به معیارهای برگرفته از مطالعه مبانی نظری، تطبیقی، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام مورد تحلیل قرار گرفته است، تا مجموعه وظایف قابل تعریف برای مدیریت محلی در ایران تعیین گردد. در این راستا، نتیجه مصاحبه صورت‌پذیرفته به روش تحلیل محتوی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایج به ترتیب در قالب نگاره‌های شماره (۵) و (۶) ارائه می‌شود.

بنابراین مجموعه وظایف مندرج در نگاره فوق، به عنوان مجموعه وظایف شهرداری‌های ایران در وضعیت مطلوب بوده و مبین مأموریت‌ها و فعالیت‌های شهرداری‌های ایران با توجه به اصول و سیاست‌های اصلی حاکم بر ساختار شهرداری‌ها به شمار می‌آید و چنین می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به مفهوم مدیریت محلی و جایگاه شهرداری، به منظور تحقق چشم‌انداز، ملزم به تبیین جایگاه

- Local Government Perspectives. *Public Administration*. Vol.79. No.1.
12. Mattingly, M. (1994). The Meaning of Urban Management. *Cities*. Vol 11. No 3. Oxford
13. Mc Gill, R. (1998). Urban Management in Developing Countries. *Cities*. Vol. 15. No.6.
14. Nallathiga. R. (2008). Trends and Perspectives of Urban Public Finance in Select Countries and India. *ICFAI Journal of Urban Policy*. Vol. 3. No. 1.
15. Rakodi, C. (2001). Forget Planning, Put Politics First? Priorities for Urban Management in Developing Countries. *Journal of JAG*, Vol. 3 - Issue 3.
16. Sharma, S. K. (1989). Municipal Management. *Urban Affairs Quarterly*. India. Vol.21.
17. Van Dijk, M.P. (2006). *Managing Cities in Developing Countries: The Theory and Practice of Urban Management*, Renmin University Press.
18. Vansant, J. (2001). *Cooperation for Good Governance*. July. Terry Sanford Institute of Public Policy.
19. Yetano, A., S. Roya and B. Acerete(2009). *What is Driving the Increasing Presence of Citizen Participation Initiative?*. Research Project UZ2007-SOC-02-268156. University of Zaragoza. Spain.
20. <http://www.iamsterdam.com>
21. <http://www.ibt.gov.tr>
- مجموع شهری تهران، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۵. لاله پور، منیژه (بهار ۱۳۸۶)، حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه. *فصلنامه جستارهای شهرسازی*. شماره ۱۹-۲۰. تهران.
۶. یالچین داغ، سلجوق (۱۹۹۰)، *بررسی و مقایسه سازمان‌های محلی در کشورهای آلمان فدرال و ترکیه*. دفتر ارتباطات استانبول وابسته به مرکز مطالعات فرهنگی اجتماعی ترکیه، آنکارا.
- منابع لاتین**
7. Andersen HT and R. Van Kempen (2003). New Trends in Urban Policies in Europe: Evidence from the Netherlands and Denmark. *Cities*. Vol.20. No.2.
8. Hall, J. (2005). *Governance*. Published in Encyclopedia of City. Edited by Roger W. Caves, Routledge, London and New York.
9. IDEA. (2001). *Democracy at the Local Level*. The International IDEA Handbook on Participation, Representation, Conflict Management, and Governance. International Institute for Democracy and Electoral Assistance: Stockholm. Sweden.
10. Lenox, M.; S. Rockart and A. Lewin(2007). Interdependency, Competition, and Industry Dynamics. *Management Science*. Vol. 53. No.4.
11. Lowndes V.; L. Pratchett and G. Stoker (2001), Trends in Public Participation: Part 1:

22. <http://www.London.ir/>: The New Encyclopedia Britanica, Vol. 13.
23. [http://www.London.ir /](http://www.London.ir/): The World Book Encyclopedia, Vol. 12 .
24. [http://www.London.ir /](http://www.London.ir/): Encyclopedia Americana, Vol. 17 .
25. [http://www.London.ir /](http://www.London.ir/): Encyclopedia International, Vol. 11 .
26. <http://www.penrithcity.nsw.gov.au>
27. <http://www.toronto.ca>



www.csr.ir



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
مرکز تحقیقات استراریک